

## منطقی نمودن اندازه دولت؛ گامی استراتژیک در بهبود بهره‌وری بخش دولتی

جعفر بیک زاد<sup>۱</sup>، علی ملکی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی بناب، بناب، ایران، (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دوره دکتری مدیریت دولتی (مدیریت منابع انسانی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی بناب، بناب، ایران

### چکیده

بهره‌وری به عنوان مهمترین عامل در رسیدن به رشد اقتصادی مستمر کشور می‌باشد؛ دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. هیچ جامعه‌ای بدون وجود دولت، نمی‌تواند به سطح بالایی از اقتصاد دست یابد. یکی از عوامل موثر بر بهره‌وری دولت، اندازه آن است. برای تبیین اندازه دولت و رشد آن در طی زمان از نگاه‌های متفاوتی به آن نگریسته شده است. صاحب نظران، بر لزوم ایجاد زیر ساخت‌های لازم توسط دولت برای عملکرد بهتر تاکید می‌کنند و این‌گونه فرض می‌شود که دولت درآمد و مخارجش را به گونه‌ای تعیین می‌کند که رفاه اجتماعی حداکثر گردد. چرا که از معیارهای اساسی سنجش کارایی دولت، میزان ارائه بهینه کالاهای عمومی برای ارتقای سطح رفاه است. در خصوص اندازه دولت چیزی که اهمیت دارد اندازه بهینه آن است؛ همانطور که در برنامه تحول اداری آمده و نظر به معیارهای مدیریت اقتضائی و اصل بازده نزولی عوامل تولید، اندازه دولت باید منطقی شود. چرا که عدم چابک سازی پیکره دولت، و عدم سرمایه گذاری‌های دولت در زیرساخت‌های اساسی می‌تواند بهره‌وری را در کشور کاهش دهد. این موضوعی است که در این مقاله بصورت مروری بر منابع مرتبط و معتبر بدان پرداخته شده است.

**واژه های کلید:** اندازه دولت، منطقی نمودن اندازه دولت، آثار اندازه دولت

## ۱. مقدمه

ارتقای بهره‌وری، به فعل درآوردن توان بالقوه قابل دسترسی است. ارتقای بهره‌وری سبب پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود و اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به منظور اشاعه بهره‌وری و بکارگیری آن، سرمایه‌گذاری زیادی را در جامعه انجام داده‌اند و بخصوص اکثر کشورهایی که در چند دهه اخیر رشد اقتصادی مناسبی داشته‌اند این رشد را از طریق افزایش بهره‌وری به دست آورده‌اند که اهمیت موضوع بهره‌وری در اقتصاد را نشان می‌دهد (قلی زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۲). برای تقویت بهره‌وری نیازمند توجه به دو موضوع کارایی و اثربخشی است که از کانال کارایی می‌تواند سبب افزایش مؤلفه‌های دانش بنیان و دانش تجمیع شده بیشتری در کشورها شود. بنابراین به تبعیت از آن زمینه برای تولید کالاهای مبتنی بر فناوری، متنوع و متمایز فراهم می‌شود (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵۶). بهره‌وری به عنوان مهمترین عامل در رسیدن به رشد اقتصادی مستمر کشور می‌باشد، بنابراین جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و افزایش سهم رشد بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی از یک سو و کاهش اهمیت برخورداری از منابع اولیه و نیروی کار ارزان به عنوان مزیت نسبی از سوی دیگر، نیازمند شناخت علمی از عوامل موثر بر بهره‌وری کل عوامل می‌باشیم زیرا شناخت جامع و علمی از عوامل موثر بر بهره‌وری کل عوامل می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی نقش حائز اهمیتی ایفا نماید (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). یکی از عوامل موثر بر بهره‌وری، اندازه دولت می‌باشد. اما در مورد اندازه مطلوب دولت بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد. ارتباط میان مخارج دولت و رشد اقتصادی نیز در نظریه‌های اقتصادی چندان روشن نیست. با این حال، بیشتر صاحب نظران، بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاستگذاری، الزام به اجرای تعهدات و نظام باثبات مالی است، برای عملکرد بهتر تاکید می‌کنند و ارائه خدمات اصلی یا پایه‌ای مبتنی بر نهادهای فوق را که شامل تامین امنیت و سطحی از رفاه اجتماعی است، ضروری می‌دانند (صالحی، ۱۳۹۳: ۲). در ادبیات مالیه عمومی اغلب این‌گونه فرض می‌شود که دولت درآمد و مخارجش را به گونه‌ای تعیین می‌کند که رفاه اجتماعی حداکثر گردد (اوپینگ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۹۲). شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه در دست است که نشان می‌دهد فراتر رفتن از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود (کميجانی، حق شناس، ۱۳۸۸: ۲).

## ۲. اهمیت و ضرورت توجه به اندازه دولت در بهره‌وری بخش دولتی

دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. فعالیت‌های دولت می‌تواند بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۴). هیچ جامعه‌ای بدون وجود دولت، نمی‌تواند به سطح بالایی از اقتصاد دست یابد (کعبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). بسیاری از اقتصاددانان عامل اساسی در توسعه را کارآمد بودن دولت می‌دانند، بنابراین یکی از معیارهای اساسی ارزیابی و سنجش کارایی دولت، میزان ارائه بهینه کالاهای عمومی برای ارتقای سطح رفاه و بهبود سطح زندگی و تسریع توسعه اقتصادی می‌باشد. با پذیرش نقش دولت در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، مبحث دیگر، به کیفیت و اندازه دولت مربوط می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳). رشد اندازه دولت طی قرن بیستم و به خصوص در دهه شصت میلادی توجه بسیاری از اقتصاددانان را به خود جلب کرد، به طوری که سعی کردند تا با ارائه نظریه‌های مختلف این مسأله را تبیین کنند. بر مبنای بسیاری از نظریه‌های رشد اندازه دولت، با توسعه کشورها، ساختار و نیازهای اقتصادی تغییر می‌کند و به تبع آن، اندازه دولت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

## ۳. مفهوم و تعریف اندازه دولت

اندازه دولت در اقتصاد عموماً با محاسبه نسبت کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و یا هزینه ناخالص داخلی، که هر دو راجع به قیمت‌های جاری هستند، سنجیده می‌شود (بازمحمد، چشمی، ۱۳۸۵: ۱۳). اندازه دولت به نوعی تبلور عینی، واقعی و

عملی نقش و کارکرد دولت در اقتصاد است (فدائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳). اندازه دولت در واقع درجه مداخله دولت در اقتصاد را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اندازه دولت به حجم عملیاتی اشاره می‌کند که توسط وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های وابسته به آنها اعم از سازمان‌های مرکزی، ایالتی، منطقه‌ای، محله‌ای، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی انجام می‌گیرد. سطح فعالیت‌های بخش دولتی بوسیله جریان معاملات بین دولت و بخش غیردولتی اقتصاد و همچنین معاملات بین اجزاء مختلف بخش دولتی تعیین می‌شود (دادگر و نظری، ۱۳۸۷: ۸).

#### ۴. شاخص‌های اندازه دولت

برای تبیین اندازه دولت و رشد آن در طی زمان می‌توان از نگاه‌های متفاوتی به آن نگریست که در ذیل به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

##### ۴-۱. نگاه سیاسی و فرهنگی به دولت

نظریه‌های سیاسی به جای کارآیی بر سیاست‌ها و نهادهایی که به وسیله دولت‌ها با هدف باقی ماندن در قدرت و انتقال منابع به سمت گروه‌های خاص شکل می‌گیرند، تأکید دارند. براساس نظریه‌های سیاسی، سیاست‌های دولت ناکارا هستند نه به این دلیل که از نظر اجرایی هزینه برند، بلکه به این دلیل که خلق کنندگان این سیاست‌ها آنها را در جهت منافع خود طراحی می‌کنند (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰). اعمال اخلاقی انسان و روابط اجتماعی متضمن قواعد الزام‌آوری است که بر مفاهیم هنجاری مانند خوب و بد، درست و نادرست و باید و نباید پایه‌گذاری شده و بر بیشتر اعمال ما حاکم است. چنین قواعدی را می‌توان در سه گونه کلی قوانین یا مقررات حقوقی، آداب و رسوم یا هنجارهای اجتماعی غیر رسمی و احکام یا مقررات اخلاقی جای داد؛ لذا بر این اساس جوامع باورهایی را حفظ می‌کنند که رفتارهای اجتماعی و دولت را شکل می‌دهند (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

##### ۴-۲. شاخص‌های اقتصادی

نظریه‌های اقتصادی زمانی به وجود آمده‌اند که منافع اجتماعی حاصل از شکل‌گیری نهادها از هزینه‌های مبادله مرتبط با آنها بیشتر بود از بُعد اقتصادی برای اندازه دولت شاخص‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نسبت کل مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی به عنوان متداولترین شاخص قلمداد می‌شود. به‌طوری‌که هزینه‌های دولت از جمع هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و یا براساس طبقه‌بندی بودجه از جمع اعتبارات هزینه‌ای (جاری)، اعتبارات تملیک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی به دست می‌آید (کمیجانی و نظری، ۱۳۸۸: ۴). در کشورهای درحال توسعه هرم جمعیتی نسبت به کشورهای پیشرفته جوانتر است و تعداد افراد بیشتری از جامعه در سن پایین‌تری قرار دارند و هنوز به سن اشتغال نرسیده‌اند، است جهت اندازه‌گیری دقیقتر اندازه دولت از شاخص اقتصادی استفاده شود. معیارهای دیگری هم برای سنجش اندازه دولت وجود دارد؛ مانند سطح درآمدهای مالیاتی، کسری بودجه و درآمدهای مالیاتی، به خصوص در کشورهایی که مالیات منبع اصلی تأمین مالی مخارج است با سطح مخارج دولت هم خوانی دارد و تصویر مشابه از اندازه دولت به دست می‌دهد. از حجم کسری بودجه یا نسبت آن به تولید یا درآمد ملی نیز به عنوان یک معیار نام برده می‌شود. این معیار اگرچه می‌تواند منعکس‌کننده پیام‌های منفی بزرگ شدن اندازه دولت باشد اما نمایانگر خوبی از حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد نیست. بخصوص در کشورهای نفتی نوسانات کسری بودجه مستقیماً تحت تأثیر نوسانات درآمدهای دولت به ویژه درآمدهای نفتی بوده است. این نوسانات با سطح فعالیت‌های دولت ارتباط کمتری دارد (خلعتبری، ۱۳۸۴: ۶۸). در بررسی کمی اندازه دولت امکان در نظرگیری نقش قوانین وضع شده از طرف دولت در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد و معمولاً مخارج دولتی کل مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از مقادیر اسمی یا حقیقی مخارج دولت برای سنجش اندازه دولت نتایج متفاوتی ارائه می‌دهد. استفاده از مقادیر اسمی، ممکن است تصویر صحیحی از اندازه دولت را ارائه ندهد. از آنجا که معمولاً نرخ تورم در بخش عمومی بالاتر از نرخ تورم در کل اقتصاد است، بنابراین، با در نظر گرفتن تورم در اقتصاد مقادیر بصورت حقیقی منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا مقادیر به صورت اسمی ممکن است منجر به بزرگ نمایی اندازه دولت شود (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵).

**۴-۳. شاخص های مدیریتی**

در شاخص های مدیریتی از دیدگاه نیروی انسانی به موضوع اندازه دولت نگریسته می شود و به این ترتیب نسبت کارکنان دولت به کل شاغلین کشور مبنای سنجش اندازه دولت قرار می گیرد (فدائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳).

**۵. علل گسترش اندازه دولت**

عوامل بسیاری باعث می گردد که حجم و اندازه دولت رشد داشته باشد که می توان این عوامل را از دید صاحب نظران مختلف در قالب مدل هایی ارائه کرد. البته علاوه بر مدل های ذیل الذکر، علل دیگری نیز از جمله رشد جمعیت، گسترش علوم و صنایع، پیشرفت فن آوری، تورم، مهاجرت مردم به شهرها و رشد شهرنشینی در رشد اندازه دولت مؤثر باشند.

**۵-۱. مدل رشد و توسعه اقتصادی**

تحلیل علل رشد مخارج دولت در قالب نظریه های توسعه، توسط ماسگریو و روستو به صورت زیر صورت گرفته است: با افزایش نسبت هزینه کل سرمایه گذاری به درآمد ناخالص ملی در مراحل توسعه و رشد اقتصادی سهم هزینه های سرمایه گذاری دولت نسبت به درآمد ناخالص ملی کاهش می یابد. با رسیدن به مرحله بلوغ رشد و توسعه، ساختمان هزینه های دولت در جهتی تغییر می کند که نسبت به هزینه های دیگر بخش عمومی و درآمد ناخالص ملی افزایش می یابد. (پناهی و رفاهی، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

**۵-۲. مدل دولت ارگانیک**

حدود یک و نیم قرن است که مباحث مربوط به علل رشد مخارج دولت و اثر آن بر فعالیتهای اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، در صدر مناقشات علم اقتصاد قرار گرفته است. در این راستا، احتمالاً از واگنرمی توان به عنوان اولین دانشمندی نام برد که مسأله رابطه علی بین رشد اقتصادی و رشد مخارج دولت را به صورت مشخص، مورد بررسی قرار داده است قانون رشد فزاینده فعالیت های عمومی و دولتی یا قانون واگنر بیان می دارد، با افزایش درآمد سرانه، اندازه بخش عمومی نیز افزایش می یابد. به باور واگنر، دولت به علت ناکارایی در ارائه کالا و خدمات، نمی تواند اقتصاد را رشد دهد و این رشد اقتصادی است که به مدد پاسخ دولت به تقاضای ناشی از اقتصاد در حال رشد، موجب افزایش اندازه دولت می شود (منتظری و غروی، ۱۴۰۰: ۹۴). واگنر بیان می دارد؛ با رشد درآمد سرانه اقتصاد، اندازه نسبی بخش عمومی نیز افزایش می یابد. واگنر تصریح می کند زمانی اقتصاد به سوی صنعتی شدن پیش می رود، ماهیت ارتباط بین گسترش بازارها و رفتار کارگزاران اقتصادی پیچیده تر خواهد شد. این تحلیل واگنر، در واقع مقدمه چینی برای گسترش بخش دولتی، در نتیجه افزایش درآمد است. بالا رفتن درآمدها و گسترش شهرنشینی در نتیجه صنعتی شدن می تواند پیامدهای خارجی و جانبی خاص خود را به همراه داشته باشد. بدیهی است خود این امر، مستلزم دخالت بیشتر دولت و بخش عمومی در اقتصاد است. لذا واگنر ظهور بخش های خدمات بانکی دولتی، خدمات قانونی، رشد هزینه های عمومی آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی ارائه شده توسط بخش عمومی را مورد تأکید قرار داده و کوشش درآمدی تقاضای آنها را محاسبه کرده است. از نظر واگنر، این خدمات دارای حساسیت درآمدی تقاضای بالاست. از این رو، با افزایش درآمد واقعی در اقتصاد مخارج عمومی برای این خدمات به نسبت بیشتری افزایش می یابد و این به نوبه خود باعث افزایش نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی می شود (دادگر و نظری، ۱۳۸۷: ۱۷)

**۵-۳. مدل محدودیت سیاسی**

این تحلیل توسط پیکاک و وایزمن در ۱۹۷۹ ارائه شد و شاید یکی از بهترین تحلیل های روند زمانی مخارج عمومی باشد. آنها تحلیل خود را بر نظریه مخارج عمومی دولت معطوف داشتند. به این معنی که دولت تمایل دارد بیشتر پول خرج کند و افراد جامعه مایل به پرداخت مالیات کمتر هستند و دولت لازم است به خواسته های افراد جامعه عمل نماید. به همین خاطر دولت برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، مخارج عمومی را انجام می دهد. (حاجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). بر اساس این فرضیه، برای مقابله با کسری بودجه، دولت باید مخارج خود را کاهش دهد.

چرا که افزایش مخارج در این زمان از دیدگاه یک پرداخت‌کننده عقلایی مالیات که فاقد توهم مالی است، به معنای افزایش مالیات‌ها در دوره بعد است (ساوریس و پین، ۲۰۱۰: ۴۸۰).<sup>۱</sup>

#### ۴-۵. مدل هیولایی

در این مدل چنین فرض می‌شود که افزایش هزینه‌های دولتی محدودیت سیاسی چندانی ندارد. دولت به جای اینکه در فکر حمایت از منافع عمومی باشد، به رشد خود (بر مبنای دسترسی به درآمدهای رانتی، تغییرات تکنولوژیکی، اثر جابه به جایی، ناهمسانی بهره‌وری در دو بخش خصوصی و عمومی، تصمیم‌گیری سیاسی، کارمندان دولت به عنوان رای دهندگان، خصوصی سازی ناموفق دولتی، هزینه‌های دفاعی و توجه بیش از حد به بخش نظامی و متمرکز نبودن کانون قدرت و دولت نفوذهای ناهمگن) می‌اندیشد تا منافع سیاستمداران و کارکنانش را تأمین کند؛ و درست مثل یک هیولای زشت مرتباً بزرگ و بزرگتر می‌شود (کیهانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴).

#### ۵-۵. مدل سیاسی - نفتی

این مدل گویای این است که اندازه دولت به بازار نفت و تصمیم و تمایلات دولت بستگی دارد. نفت سبب جدایی دولت از مردم و سلطه آن بر جامعه می‌گردد. در اقتصادهای غیررانتی، درآمد دولت عمدتاً از محل جمع‌آوری مالیات است، اما در کشورهای نفت‌خیز توسعه نیافته و در حال رشد بخش زیادی از درآمد دولت از محل صادرات نفت است. این امر سبب استقلال دولت از طبقات اجتماعی، وابسته شدن آنها به نهاد دولت و قرار گرفتن این نهاد بر فراز جامعه می‌گردد. استقلال مالی دولت به آن اجازه می‌دهد خواست‌های خود را بر جامعه تحمیل کند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۸۱). این کشورها درآمد عظیمی را از استخراج منابع طبیعی ثابت، مانند انرژی، به دست می‌آورند. مشخصه این دولت‌ها این است که برنامه‌های اقتصادی‌ای را اجرا می‌کنند که مخارج دولتی بسیار وسیعی دربردارند. بیشتر این کشورها با یک مشکل توسعه اقتصادی دست به گریبان می‌شوند (سخنور و مهرگان، ۱۳۹۲: ۵۷).

#### ۶-۵. مدل سیاسی - تسلیحاتی

رشد چشمگیر دولت‌ها عمدتاً به قرن بیستم باز می‌گردد. بلوک بندی سیاسی خصمانه در جهان و مسابقه تسلیحاتی بلوک شرق و بلوک غرب که در پیمان ورشو و ناتو تجلی کامل می‌یافت، از ویژگی‌های بارز این قرن است. لذا پس بین اندازه دولت و بلوک بندی های سیاسی و مسابقات تسلیحاتی ارتباط وجود دارد (بیک زاد و رحیم زاده، ۱۳۹۶: ۳۳۸).

#### ۶. دیدگاه های مکاتب اقتصادی در خصوص اندازه دولت

##### ۱-۶. دیدگاه کلاسیک ها

تفکر اقتصاد کلاسیک، به آدام اسمیت اقتصاددان قرن هجدهم نسبت داده می‌شود. آدام اسمیت برای دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی حوزه عمل وسیعی قایل نبوده و معتقد است که رفاه اجتماعی بهینه را می‌توان از طریق بازارهای رقابتی که در آنها نفع شخصی انگیزه عاملان اقتصادی است به حداکثر رساند. در نتیجه آزادی، موجبات افزایش مطلوب در رفاه اجتماعی را فراهم می‌کند و بهتر از هر قانون و مقرراتی افراد را به رعایت مصالح یکدیگر و جامعه وای می‌دارد. طبق نظریه آزادی اقتصادی کلاسیک‌ها دخالت عملاً موجب تخصیص نامطلوب منابع می‌شود. گذشته از آن عملکردهای دولت اغلب با نوعی رهبری غیر کارآمد همراه بوده و بسیاری از سیاست‌های پولی و مالی که اتخاذ می‌کند موجب می‌شوند که بر انگیزه‌های اقتصادی لطمه وارد شده و کارایی سیستم کاهش یابد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴).

##### ۲-۶. دیدگاه سوسیالیستی

دیدگاه سوسیالیستی از آغاز قرن نوزدهم در مقابل نارسایی‌های عقاید کلاسیک‌ها به وجود آمد. وجود نارسایی نظام اقتصادی مبتنی بر دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک در آن دوره، باعث استثمار کارگران و شکاف طبقاتی روز به روز زیاده‌تر می‌گردید. در نظام اقتصادی سوسیالیستی یک قدرت مرکزی وظیفه تنظیم برنامه، دادن رهنمود و فرمان برای اجرای برنامه را با توجه به اهداف و

<sup>۱</sup> Saunoris and Payne

اولویت‌های مدنظر گرفته شده بر عهده دارد. به این صورت که اهداف برنامه مانند رشد سالانه تولید ملی، سهم کالای مصرفی و سرمایه‌ای به وسیله سازمان برنامه‌ریزی مرکزی تعیین شده سپس متناسب با منابع موجود در هر منطقه و در هر واحد تولیدی سهم هر یک معین می‌گردد. در این نوع برنامه‌ریزی، فرمان‌ها از بالا به واحدهای تولیدی دیکته می‌شد. نظام برنامه‌ریزی متمرکز به ارتشی از اقتصاددانان، مدیران، کارمندان اداری، آمارگیران، بازرسان و دیگر افراد آموزش دیده نیاز دارد تا با بررسی شرایط جغرافیایی، جمعیتی، منابع طبیعی، ابزار تولید و ... بتوانند سیستم بهینه‌ای را طراحی کنند و روشن است که این امر به شدت بر هزینه‌های تولید می‌افزاید. گاهی شمار و نوع روابط این نهادها، کمیسیون‌ها و وزارتخانه‌های تصمیم گیرنده چنان پیچیده و سردرگم می‌شود که از هر نظارت عقلایی گریزان است. از دیگر دلایل ضعف این سیستم پایین بودن بهره‌وری نیروی کار، بی‌توجهی به مسئله سوددهی، به حساب نیامدن نقش مصرف‌کننده در امر تولید و عدم تعادل بین بخش‌ها را می‌توان نام برد (گزنی، ۱۳۸۵: ۴). در دیدگاه سوسیالیستی افزایش درآمدهای مالیاتی به اندازه کافی آشکار است. و سوسیالیسم ممکن است انتخاب شهروندان کشورهایی نظیر دانمارک و سوئد باشد. اندازه دولت در این کشورها تقریباً نصف اندازه اقتصاد آنهاست که این مهم منجر به رشد اقتصادی پایین می‌شود. لذا این نظام ممکن است برای کشورهایی با رشد جمعیت پایین قابل قبول باشد (ویلسون اس وای، ۲۰۲۰: ۲۲۲).<sup>۱</sup>

### ۳-۶. نظریه کینز

جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ با انتشار کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول شهرت جهانی کسب نمود. بر اساس رهنمودهای کینز این اعتقاد وجود دارد که مخارج دولتی برای توسعه بخش خصوصی مفید بوده و مکملی برای آن در این دیدگاه است. سرمایه‌گذاری دولت می‌تواند به سرمایه‌گذاری برای زیربنای، تحصیل، بهداشت، ساخت سد و غیره اختصاص یابد. وجود زیربنای بهتر شامل جاده و راه‌آهن، هزینه نقل و انتقالات را کاهش می‌دهد و سبب تسهیل محیط کسب و کار و دسترسی آسانتر به بازار می‌شود. بهداشت بهتر و تحصیل بیشتر نیز کیفیت سرمایه انسانی را بهبود می‌بخشد (خان و کومار، ۲۰۰۹: ۷۶). براساس دیدگاه<sup>۲</sup> کینزیون، با فرض وجود بیکاری در اقتصاد و حساسیت پایین سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، سیاست مالی انبساطی برخلاف اثر جایگزینی اجباری، به افزایش ناچیزی در نرخ بهره منتهی می‌شود و تولید و درآمد زیاد می‌شود. مضاف بر آن، کینز فرض می‌کند که مخارج دولت به علت اثر مثبت این مخارج بر انتظارات سرمایه‌گذاران خصوصی موجب افزایش سرمایه‌گذاری، می‌شود (محنت فر، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

### ۴-۶. نظریه اقتصاددانان کلاسیک جدید

بنیاد و اساس این مکتب در اواخر دهه ۱۹۶۰ اقتصاددانان آمریکایی مخصوصاً رابرت لوکاس و توماس سارجنت پایه‌ریزی<sup>۳</sup> شد مهمترین ویژگی این مکتب تأکید فراوان بر انسان عقلایی است. در این مکتب عرضه به قیمت نسبی کالاها و خدمات وابسته است و مقدار تقاضا از اولویت چندانی برخوردار نیست. بر اساس نظریه انتظارات عقلایی، واحدهای تصمیم‌گیری در اقتصاد مانند تولیدکننده و مصرف‌کننده با استفاده از ارزیابی اطلاعات و میزان آگاهی‌های موجود تصمیم درست صحیح و عقلایی را اتخاذ می‌کنند. طبق این نظریه، فعالیت‌های اقتصادی دولت در تأمین ثبات اقتصادی و پایدار و دوره زمانی بلند مدت، باید با رعایت قواعدی که قبلاً محاسبه، برنامه‌ریزی و معلوم شده است، انجام پذیرد و دولت از مداخله مستمر در فعالیت‌های اقتصادی خودداری نماید. لذا تدابیر و تصمیم‌های اقتصادی که از طرف دولت گرفته می‌شود باید به صورت تدریجی نه به صورت آنی و ناگهانی در اقتصاد صورت گیرد (بیک زاد و رحیم زاده، ۱۳۹۶: ۳۴۳).

<sup>۱</sup> Wilson Sy

<sup>۲</sup> John Maynard Keynes

<sup>۳</sup> Khan & Kumar

<sup>۴</sup> Robert Lucas

<sup>۵</sup> Tomas Sargent

## ۵-۶. نظریه کینزی های جدید

کینز منشا دو مکتب اقتصادی کینزی های جدید و پست کینزین ها بوده است. اصول اصلی اقتصاد کینزی جدید توسط رابرت سوارا (۱۹۵۶) و فرانکو مودیگلیانی (۱۹۵۷) توسعه یافته است. کینزی های جدید، میراث دار ایده های چسبندگی قیمت ها، دستمزدها و امکان شکست بازار در رسیدن به اشتغال کامل از کینز هستند. و در مقابل همچون کلاسیک های جدید در تحلیل هایشان مفهوم انتظارات عقلایی را به کار می برند. آن ها در عین این که نظریه تعادل عمومی کینز را به کار می برند و بر پایه های خردی اقتصاد کلان نیز تاکید می کنند (رادفورد، ۲۰۰۷: ۱۲۸) کینزی های جدید معتقدند که تحلیل ها و سیاست های کینزی اعتبار خود را حفظ کرده و هنوز پاسخگوی مسائل اقتصادی جاری است. کینزی های جدید طرفدار سیاست مالی هستند ولی معتقدند که پول، دیگر خنثی نبوده و از این رو، کارساز بودن به کارگیری سیاست پولی مجدداً احیا می شود. به عنوان مثال، برخی مطالعات نشان داده اند که تنش های اسمی طرف تقاضا، قابلیت ایجاد آثار حقیقی در الگوهای دربردارنده انتظارات عقلایی را دارا هستند. در این قبیل الگوها، سیاست پولی نظام مند می تواند به تثبیت امور اقتصادی کمک کند (اسماعیلیان، ۱۳۹۳: ۱۲).

## ۶-۶. نظریه مکتب پولی (پول گرایان)

این مکتب که توسط فریدمن<sup>۲</sup> بنیانگذاری شد، معیارهایی مانند آزادی فعالیت اقتصادی، حاکمیت بازار آزاد، انگیزه های سود و سرمایه گذاری و مداخله نکردن دولت در امور اقتصادی لازم دانسته شده و به عنوان اصول اولیه نظام بازار شناخته می شود. بر اساس دیدگاه پولیون اگر اقتصاد به حال خود رها شود، دارای ثبات بیشتری خواهد بود. دولت به عنوان یک عامل در راستای دستیابی به اهدافی که می توان از طریق مبادلات خصوصی به آن دست یافت، ناکارآمد است، زیرا در عمل دولت ها از اهدافی برخوردار هستند که در راه دستیابی به آنها قسمتی از منابع عمومی را برای مواردی به کار می برند که برخلاف منافع مردم است (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۳۴). این مکتب معیارهایی مانند آزادی فعالیت اقتصادی، سیاست آزادی کسب و کار، حاکمیت بازار آزاد و دفاع بی قید و شرط از انگیزه های سود و سرمایه گذاری و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی را لازم دانسته و از آنها به عنوان اصول اولیه نظام بازار طرفداری می کند. به نظر پولگرایان پول تعیین کننده تولید ناخالص ملی پولی است. پولگرایان عقیده دارند که حجم پول، مهمترین عامل در تعیین سطح فعالیت های اقتصادی اندازه گیری شده به قیمت جاری است. پولگرایان عقیده دارند که بانک های مرکزی باید رشد باثباتی در عرضه پول ایجاد کنند. به خاطر ارتباط نزدیک بین عرضه پول و درآمد پولی، پولگرایان معتقدند که رشد باثبات در عرضه پول باعث رشد با ثبات در فعالیت های اقتصادی خواهد شد (لشکری، ۱۳۸۹: ۸۳).

## ۷. آثار اندازه دولت

اندازه دولت بر عملکرد کلی اقتصاد و رشد و شاخص های آن تأثیر می گذارند. مطالعات انجام شده در زمینه اندازه دولت و جوانب آن بیانگر این موضوع است و در این رابطه نظریات گوناگونی مطرح است. یک نقطه نظر این است که اندازه دولت بزرگتر برای کارایی تولید و رشد اقتصادی زیان آور است. زیرا اولاً عملکردهای دولت اغلب بصورت غیرکارا اداره و اجرا می شوند، ثانیاً تعدیل سیستم های مختلف دولتی روی اقتصاد بار و هزینه های زیادی وارد می کند. ثالثاً بیشتر سیاست های مالی و پولی دولت به سمت انحراف انگیزه های اقتصادی و پایین آوردن سطح کارایی تمایل دارند. در نقطه مقابل این دیدگاه، بعضی عقیده دارند که دولت نقش حساسی در مراحل توسعه اقتصادی دارد و استدلال می کنند که اندازه دولت بزرگتر، شبیه به موتور قوی یک سیستم توسعه اقتصادی است، زیرا اولاً رهبری دولت در هماهنگی تضادهای بین بخش خصوصی و دولتی لازم است. ثانیاً ممانعت از استثمار کشور توسط بیگانگان از امور حیاتی است که بدون دولت امکان پذیر نیست. ثالثاً محفوظ داشتن افزایش در سرمایه گذاری سودمند و فراهم کردن یک رهبری مؤثر اجتماعی برای رشد و توسعه، تنها بدست دولت میسر است (لشکر بلوکی، ۱۳۷۶: ۲). تأثیر اندازه دولت از جنبه های مختلف در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

<sup>۱</sup> Rutherford<sup>۲</sup> Friedman

## ۷-۱. اندازه دولت و بیکاری

اقتصاددانان معتقدند اندازه بزرگ دولت منجر به نرخ بیکاری بیشتر می شود. در مورد دلایل شان چنین اظهار می کنند: دولت های بزرگتر، نرخ مالیات بر درآمد بیشتری را تحمیل می کنند که این چنین سیاستی بر تصمیمات افراد برای کار و تفریح اثر می گذارد. هزینه های بیشتر دولت باعث کاهش سرمایه گذاری خصوصی می شود و این خود منجر به اثر جایگزینی سرمایه گذاری می شود و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری، بهره وری پایین می آید و در نهایت منجر به کاهش رشد کار می شود. دولت های بزرگتر به نظر می رسند بیشتر برای تأمین اجتماعی و بهداشت و حمایت های بیکاری سرمایه گذاری می کنند که این به نوبه خود هزینه بیکاری را برای اشخاص کاهش می دهد و در نهایت منجر به بیکاری بیشتر می شود. تعیین تمام کانال هایی که از طریق آن امکان تأثیرگذاری برنامه های دولت بر بیکاری وجود دارد غیر ممکن به نظر می رسد. اما یکی از تأثیرات اندازه دولت، اثرگذاری روی بهره وری نیروی کار است؛ بدین معنی که دولت با افزایش سرمایه گذاری خود باعث افزایش یا کاهش بهره وری نیروی کار می شود. اسکالی (۱۹۸۹) استدلال می کند که اثرات بیکاری، اندازه دولت و رشد اقتصادی را به هم مرتبط می سازد. همچنین بر اساس تئوری اقتصاد کلان، بزرگتر شدن دولت اثر جانشینی جبری برای بخش خصوصی و به ویژه سرمایه گذاری خصوصی ایجاد می کند؛ در نتیجه پیشرفت تکنولوژی، رشد بهره وری و قدرت رقابت صنایع کاهش می یابند و از این رو موجب افزایش بیکاری می شود. همچنین دولت بزرگتر دخالت های وسیعتری در تمام زمینه ها و از جمله قوانین و مقررات بازار کار دارد که موجب اختلال در عملکرد بازار کار شده و می تواند منجر به بیکاری گردد. دولت بزرگ، بیشتر از یک دولت کوچک تمایل به افزایش نرخ مالیات بر درآمد دارد که این امر تصمیم گیری کار و فراغت را برای هر دو فرد شاغل و بیکار تحت تأثیر قرار می دهد و انگیزه کار را تضعیف می نماید. مالیات بیشتر به معنی کاهش درآمد قابل تصرف خانوارها و با ثبات سایر شرایط به معنی کاهش تقاضا است. همچنین نرخ های بالاتر مالیاتی منجر به کاهش سوددهی سرمایه گذاری خصوصی می شود که هر دو منجر به افزایش بیکاری می شوند (انصاری سامانی و خلیل کردی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

## ۷-۲. اندازه دولت و رشد اقتصادی

آرمی، با الهام از تکنیک گرافیکی لافر (که رابطه بین رشد اقتصادی و مالیات را بررسی می کند) منحنی ای را ترسیم کرده است که نشان می دهد در صورت نبود دولت و همچنین زمانی که تصمیمات نهاده و تولید به وسیله دولت گرفته می شود، تولید سرانه پایین می آید، اما زمانی که ترکیبی از تصمیمات دولتی و خصوصی در مورد تخصیص بهینه منابع وجود دارد، تولید افزایش می یابد. ویژگی افزایش تولید دولتی زمانی که دولت ها کوچک هستند، غالب است و توسعه در اندازه دولت، همراه با کاهش در تولید است. از این رو، برقراری و رشد اولیه دولت همراه با افزایش سطوح درآمد و نرخ های مثبت رشد اقتصادی است، اما با افزایش اندازه دولت، قانون بازده نزولی شروع به عمل کردن می کند. افزایش مالیات ها و تعرفه ها برای تأمین مالی دولت ها، آثار معکوس بر ساختار اقتصادی جوامع دارند. همزمان با این پدیده، پرداخت های انتقالی دولت ها افزایش می یابد و این افزایش به آثار غیرانگیزهای تبدیل می شود. با افزایش مخارج، دولت مقدار زیادی از درآمد ملی را جذب و سبب کاهش تولید ملی می شود (علیپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). لذا افزایش اندازه دولت تا حدی لازم است، اما بعد از آن منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

## ۷-۳. اندازه دولت و مشارکت مردم در توسعه کشور

افزایش اندازه دولت به گونه ای که عرص را برای شکوفایی اقتصادی ناشی از مشارکت حقیقی مردم تنگ کند و دولت یکه تاز و قبضه کننده امور در عرصه های کسب و کار و فعالیت اقتصادی باشد، مضر تلقی می شود (شاه آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴۹). وقتی دولت در همه امور دخالت می کند مهلتی برای حضور مردم در اداره کشور باقی نمی ماند. عدم حضور مردم در اداره امور کشور مانع بزرگی در راه توسعه یافتگی است. در تأیید این مطلب می توان به گفته نیکسون اشاره کرد که "تنها مردم قادرند،

۱. Armey Curve

۲. Laffer



مشکلاتی را که مردم ایجاد کرده‌اند حل کنند. "لینکلن برای تعریف دموکراسی "دولت مردم، برای مردم، به وسیله مردم" را به کار برده‌است. پس اعتماد مردم به همدیگر و به دولت، نقش اساسی در دموکراسی دارد. پس با متناسب سازی اندازه دولت، نقش و مشارکت مردم در توسعه کشور افزایش در نتیجه سرعت توسعه کشور افزایش می یابد(قلی پور و پیران نژاد؛ ۱۳۸۷: ۲۲۲).

#### ۴-۷. اندازه دولت و پرداخت حقوق و مزایا

یکی از مشکلات دولت بزرگ، افزایش هزینه‌های جاری و عدم امکان پرداخت حقوق مزایای مکفی برای کارکنان می‌باشد. کاهش اندازه دولت آن را قادر می‌سازد که بتواند حقوق و مزایای کارکنان خود را متناسب با هزینه‌های زندگی پرداخت کند و بدین ترتیب انگیزه آنها را برای ارائه خدمات بیشتر افزایش دهد(بیک زاد و رحیم زاده، ۱۳۹۶: ۳۴۸).

#### ۵-۷. اندازه دولت و مقبولیت دستگاه های دولتی

بین اندازه دولت و مقبولیت دستگاه‌های دولتی نزد مردم ارتباط معکوس وجود دارد و کاهش مقبولیت دستگاه‌های دولتی نزد مردم و خدمت گیرندگان از دیگر اثرات منفی بزرگی دولت است که به واسطه پایین بودن کیفیت خدمات دستگاه‌های دولتی بوجود می‌آید. بنابراین داشتن دولتی با اندازه مناسب و ارتقای کیفیت خدمات، بالا رفتن میزان مقبولیت دولت را در بر خواهد داشت(مردانی؛ ۱۳۹۴: ۲۵).

#### ۶-۷. اندازه دولت و توسعه انسانی

تا پیش از دهه ۷۰ از درآمد سرانه، با این پیش فرض که با بالا رفتن آن وضع مردم در تمام جوانب بهبود خواهد یافت. توجه تنها بر درآمد در سطوح فردی و انبوه، عوامل مختلفی را که منجر به ایجاد تفاوت در فرصت‌های واقعی افراد می‌شود نادیده می‌گیرد. با توجه به نواقص این رویکرد، مفاهیمی چون نیازهای اساسی که در جهت توسعه انسانی بودند، هسته اصلی بحث‌های توسعه شدند و به این ترتیب مفهوم توسعه انسانی معرفی شد. توسعه انسانی مبتنی بر این ایده است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. ساختن نیازهای روحی و بسط ظرفیت‌های ذهنی از طریق آموزش حاصل می‌شود. بنابراین شاخص آموزش که نشانگر افزایش پرورش قوای ذهنی است در کنار نماگر رفاه اقتصادی که با درآمد سرانه اندازه گرفته می‌شود قرار گرفت. همچنین شاخص امید به زندگی در بدو تولد برای اندازه‌گیری بهداشت به عنوان پایه‌ای دیگر از این شاخص، در کنار دو شاخص دیگر برای اندازه‌گیری توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه شاخص توسعه انسانی به عنوان یک شاخص مرکب خود دارای سه نماگر است؛ امید به زندگی که نشان‌دهنده عمر طولانی و سلامت است. پیشرفت تحصیلی که نشان‌دهنده سطح علم و دانش که به وسیله نرخ سواد بزرگسالان (با وزن دو سوم) و نسبت ترکیبی ثبت نام ناخالص در دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (با وزن یک سوم) محاسبه می‌شود. تولید ناخالص داخلی (بر حسب برابری قدرت خرید به دلار) که بیانگر وجود سطح زندگی شایسته و مناسب است. مقدار هر یک از این نماگرها می‌تواند بین صفر و یک تغییر کند. به این ترتیب شاخص توسعه انسانی محاسبه شده عددی بین صفر و یک خواهد بود. بر اساس این شاخص کشورهای جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: کشورهای با توسعه انسانی بالا با شاخص توسعه انسانی بالاتر از ۰/۸؛ کشورهای با توسعه انسانی متوسط با شاخص توسعه انسانی بین ۰/۵ و ۰/۸؛ کشورهای با توسعه انسانی پایین با شاخص توسعه انسانی کمتر از ۰/۵ (موزن جمشیدی و همکاران؛ ۱۳۹۰: ۹۶).

#### ۷-۷. اندازه دولت و فساد

مداخله دولت در اقتصاد به دلیل شکست بازار ضروری تلقی می‌شود. با این حال، این مداخله ممکن است متضمن افزایش اندازه دولت باشد که در کنار سایر عوامل، بر سطح فساد در کشور تأثیر می‌گذارد. فساد مشکلی است که در همه کشورها یافت می‌شود، اما در مقیاس‌های مختلف. افکار عمومی تمایل دارد آن را با رفتار مقامات دولتی و رهبران سیاسی مرتبط کند. این دیدگاه

که فساد در ذات دولت است، به این فکر می‌انجامد که راه حل چنین مشکلی در کاهش آن نهفته است (ادوارد و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۷۱). از زمان‌های گذشته فساد در صورت‌های مختلف و در هر مکان و زمانی خود را نشان داده است، اما آنچه امروزه از این پدیده می‌بینیم پدیده‌های با ماهیت چندوجهی، پیچیده، متنوع، پنهان و مخرب است. هیچ نظریه اقتصادی روشنی وجود ندارد که ارتباط بین فساد و عوامل بالقوه اقتصادی را توضیح دهد. با این حال، نظریه پردازان از نظریه‌های اقتصادی و نظریه‌های وام‌گرفته‌شده از سایر رشته‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای تعیین علل فساد تطبیق می‌دهند. تحلیل‌های اولیه فساد در اقتصادی نشان داد که علت آن شکست بازارها و عدم حمایت دولت‌ها از حقوق فردی است. از این منظر، فساد به عنوان یک پاسخ مثبت به شکست بازار تلقی می‌شود (دارمانه، ۲۰۲۱: ۱۷۱). هرچند در جهان امروز شاهد رشد و تقویت نهادها و ارگان‌های نظارتی و مبارزه با فساد در بخش عمومی هستیم، اما به دلیل تغییر و تحولات در عرصه اجتماع از جمله گسترش مرادفات بازرگانی، گسترش حجم دولت‌ها و ورود فناوری‌های الکترونیکی، هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که در زمینه مبارزه با فساد به وضع مطلوبی دست یافته است. از این رهگذر، اشاعه اطلاعات علمی در نهادهای نظارتی به نحوی که به شناخت تغییرات و پیچیدگی‌های ماهیت پویای فساد کمک کند، موضوعی حیاتی است که در چشم‌انداز بلندمدت، زمینه‌سازی کارایی و اثربخشی نهادهای نظارتی در کشورها را فراهم خواهد آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۸). نبود اتفاق نظر در مورد نقش اندازه دولت در معضل فساد باعث شده تا این مسئله همچنان مبهم و حل نشده باقی بماند؛ چرا که صرف اندازه و مداخله دولت نمی‌تواند عامل اثرگذاری در فساد باشد، بلکه مداخله دولت زمانی سبب افزایش فساد می‌شود که دولت در ساز و کار بازار اختلال ایجاد کند یا بازار سیاه رواج پیدا نماید (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۷). در مجموع، تردیدی وجود ندارد که بحث فساد در ارتباط با فعالیت‌ها و انحصارهای دولتی است، اما حذف دولت به بهانه مبارزه با فساد نیز یک راه حل معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد. در واقع اداره کردن یک جامعه مدرن و پیشرفته، مستلزم وجود یک دولت کارآمد است. بنابراین میزان کارآمدی و نحوه فعالیت‌های دولت به مراتب مهم‌تر از اندازه دولت و مخارج آن است (الیوت، ۱۹۹۷: ۱۸۲) <sup>۳</sup>

## ۷-۸. آثار اندازه دولت

اگر نگاه وسیع‌تری به درآمدسرانه کشورها بیاندازیم، تفاوت‌های فراوانی که در سراسر جهان وجود دارد به علت بهره‌وری است نه عرضه نیروی کار. به عبارتی، مردم در کشورهای فقیر درآمد پایینی دارند نه به این دلایل که به اندازه اقتصادهای پیشرفته سخت کار نمی‌کنند، یا به اندازه آنها تحصیل کرده یا با مهارت نیستند. بیشتر اقتصاددانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است و اهمیت و نقش سرمایه انسانی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کمتر از سرمایه فیزیکی نیست (تقوی و محمدی، ۱۳۸۵: ۳۷). گروهی از اقتصاددانان معتقدند در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی توسعه تجارت خارجی می‌تواند سطح مهارت‌ها و قابلیت‌های نیروی کار را افزایش داده و سبب افزایش سطح بهره‌وری عوامل تولید، کاهش تورم و تحولات تکنولوژیک شده و از این طریق قادر شوند زمینه لازم برای توسعه تجارت بین الملل و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر را فراهم آورند (فتح و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۰). هرچه قدر کشوری منابع طبیعی یا موهبت‌های طبیعی همچون نیروی کار و ذخیره سرمایه داشته باشد، اگر نتواند در مقایسه با کشورهایی که از منابع خود به طور کارآمدتری استفاده می‌کنند بهره‌جوید در فقری نسبی می‌افتد. دولت در رابطه با کارایی می‌تواند نقش مثبت و منفی‌ای داشته باشد. در این راستا شاید تولیدکالاهای عمومی دولت از جمله اجرای قانون، دفاع ملی، و بعضی از زیرساخت‌ها سهم مثبتی برای ایجاد کارآیی فراهم سازد. از طرفی دیگر، دولت‌ها شاید تصمیمات بخش خصوصی را تحریف کرده و اقتصاد را از دستیابی به نتایج کارآمد دور سازند. رابرت هال و چالز جونز اصطلاح "زیرساخت اجتماعی" را مطرح کرده‌اند که منظور از آن "نهادهایی است که از محصولات تولیدی افراد در مقابل انواع انحرافات حمایت می‌کند." (انحرافات همانچون مالیات بندی، سلب مالکیت، و سرقت) که عامل تعیین کننده اصلی سطح بهره‌وری یک کشور محسوب می‌شود. آنها یادآور می‌شوند

<sup>۱</sup> Eduarda et al

<sup>۲</sup> Dramane

<sup>۳</sup> Elliott

که "در حالی که دولت می‌تواند از افراد در مقابل انحرافات حمایت کند، خود دولت نیز می‌تواند در عمل عامل انحراف باشد." لذا ما باید دولتی با قدرتی کافی مقرر سازیم تا اقدامات لازم از جمله دفاع ملی، دادگاه‌ها، پلیس و اجرای قراردادها و حقوق مالکیت را اجرا کند (پیغامی، ۱۳۹۹: ۵۹).

#### ۸. بررسی تاریخی اندازه دولت ایران

با بررسی نسبت های مربوط در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۸ به دلیل ملی شدن صنعت نفت اندازه دولت افزایش یافت. در بازه سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸ به دلیل افزایش قیمت نفت اندازه دولت بزرگتر شد. در سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ بعثت تقویت صنایع و تولید بخش خصوصی اندازه دولت کاهش یافت. در بازه سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ GDP (تولید ناخالص داخلی) نشان می‌دهد که اندازه دولت در همه سطوح بالاترین مقدار را نسبت به سایر دوره‌ها داشته است (قربانی، ۱۳۹۵: ۸).

در دوره انقلاب و پایان جنگ (۱۳۵۸-۱۳۶۷) همراه با رکود اقتصادی، مخارج دولت کاهش چشمگیری داشته در این دوره، مخارج بودجه عمومی دولت طی روند ۱۰ ساله از رشد متوسط سالانه ۶٫۷ درصد برخوردار شد. در این دوره، تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری رشد سالانه‌ای برابر ۱۵ درصد داشت که بدین ترتیب نسبت مخارج بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی از ۳۶٫۷ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۰٫۸ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت و میانگین آن در دوره جنگ تحمیلی به ۲۸ درصد رسید که منجر به کاهش اندازه دولت در اقتصاد ایران طی این دوره شده است (قلی زاده، ۱۳۸۳: ۲۲). در سال های برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) اندازه دولت مرکزی و دولت عمومی نسبت به دوره قبل از آن کاهش چشمگیری داشت، اما اندازه بخش عمومی به رغم رشد قابل ملاحظه تولید ناخالص داخلی، تقریباً ثابت ماند. این امر ناشی از ایجاد و گسترش شرکت های دولتی طی سال های برنامه اول توسعه بوده است. این دوره که مقارن با بازسازی زیرساخت های اقتصادی ایران پس از جنگ بود، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی به ۱۷٫۸ درصد رسید. به رغم پایین بودن اندازه دولت در این دوره، رشد مخارج مصرفی و سرمایه‌ای دولت بیشترین مقادیر را در این سال تجربه نموده است، که البته این موضوع به تورم های بسیار بالایی ارتباط می‌یابد که به واسطه سیاست های تعدیل در سال های برنامه اول، اقتصاد کشور شاهد بود. کاهش شدید رشد اقتصادی در دوره برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۱۳۷۸) با وجود کاهش رشد مخارج دولت باعث بزرگ تر شدن نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و افزایش اندازه دولت در همه سطوح طی این دوره گردید. در طی این برنامه، نسبت مخارج بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۲۲ درصد بود که افزایش قابل توجهی را نسبت به برنامه اول توسعه نشان می‌داد. البته، این افزایش تا حدودی نیز ناشی از عدم موفقیت برنامه های تعدیل ساختاری و به دنبال آن، تغییر جهت سیاست های تعدیل بود. هر چند کاهش قیمت نفت (۱۶ دلار در هر بشکه) در سال ۱۳۷۶ نیز نقش قابل توجهی در محدود کردن رشد اقتصادی کشور بر عهده داشت.

رونق اقتصادی طی دوره برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به رغم رشد بالای مخارج دولت موجب کاهش اندازه دولت در سطوح دولت مرکزی و دولت عمومی در این دوره شد. با وجود این، اندازه بخش عمومی به دلیل افزایش چشمگیر هزینه های جاری شرکت های دولتی، بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت طی سال های این برنامه بزرگ تر شده است. در برنامه پنج ساله سوم توسعه، نسبت مخارج بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی از ۱۸٫۲ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۲۰٫۹ درصد در سال ۱۳۸۳ رسید و متوسط سالانه این نسبت در طول برنامه ۲۰٫۵ درصد بود که کاهش نسبی را در مقایسه با برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد. در ابتدای برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) مخارج جاری و عمرانی دولت در همه سطوح رشد چشمگیری نسبت به سال ۱۳۸۳ داشته و منجر به بزرگ تر شدن اندازه دولت در همه سطوح شد. نسبت بودجه شرکت های دولتی به بودجه کل کشور در برنامه سوم توسعه اندکی کاهش یافت، که می‌تواند نشانگر پای بندی نسبی دولت به کاهش تصدیگری های دولت در این دوره باشد. اما نسبت های مذکور در سال ۱۳۸۴ رشد بالایی داشته اند که آغاز نامطلوبی برای دستیابی به اهداف برنامه چهارم توسعه می‌باشد. در سال های برنامه چهارم توسعه، متوسط رشد سالانه پرداخت های هزینه ای و عمرانی به ترتیب به میزان ۲۰٫۷ و ۲۲٫۳ درصد بود. یکی از عواملی که در این دوره بر روی مخارج دولتی تأثیر به سزایی داشت، افزایش قیمت جهانی نفت خام بود. بر این اساس، نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی در دوره برنامه چهارم به ۲۳ درصد رسید و سهم مخارج

مصرفی از تولید در همین دوره به ۱۷ درصد رسید که بیشترین میزان را پس از سالهای جنگ نشان می دهد (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۱۵)

در طول برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰) توسعه نتایج نگران کننده ای از تسلط بودجه ای، غیربودجه-ای (سیاست ها و مقررات) دو تصدیگری های دولت در اقتصاد ایران، فقدان نظارت موثر بر اجرای قوانین برنامه پنج ساله و سند چشم انداز توسعه کشور، مدیریت کارآمد و شفافیت لازم در نظام بودجه ریزی کشور مشهود است. از مرور بالا می توان نتیجه گرفت که اندازه دولت ایران، یکی از بزرگترین اندازه دولت هاست: به طوری که تعداد کارکنان دولت چهاربرابر و تعداد وزارتخانه ها، موسسات و شرکت های دولتی بیش از دو برابر و تعداد پست های مدیریتی طی دو دهه گذشته ۶۰ درصد رشد داشته است. این عوامل باعث گردیده تا توان مالی دولت برای تامین هزینه های جاری کاهش یابد؛ قدرت خرید کارکنان دولت به میزان ۵۰ درصد نسبت به گذشته تنزل نماید و از طرفی کارایی و اثربخشی دستگاه ها و سازمان های دولتی رو به افول گذارد. بسیاری از صاحب نظران ناکارآمدی مدیریتی در دستگاه های اجرایی، بالا بودن بودجه و عدم تحقق برنامه های اصلاحی در حوزه اقتصاد را با این موضوع مرتبط می دانند. در مجموع می توان برخی از مهمترین علل رشد خارق العاده دولت بعد از انقلاب را بصورت ذیل خلاصه کرد:

۱. مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکت های خصوصی از جمله بانک ها و ...
۲. وقوع جنگ تحمیلی
۳. تحریم های مالی و تجاری بین المللی
۴. رویکرد اداره امور بصورت دولتی
۵. مراجع متعدد تصمیم گیری و اختیارات آنان در گسترش تشکیلات دولتی
۶. عدم وجود تعریف روشنی از دولت
۷. علاقه شدید مسئولین برای دولتی نمودن خدمات
۸. گسترده شدن خدمات اجتماعی دولت بدلیل رشد جمعیت و رشد شهرنشینی
۹. انفعالی بودن نظام تصمیم گیری دولت و مدیران اجرایی کشور
۱۰. تجزیه و وظایف برخی از وزارتخانه ها و سازمان ها و ایجاد وزارتخانه و سازمان جدید (میرسپاسی و بیک زاد، ۱۳۸۹: ۸۸).

## ۹. منطقی نمودن اندازه دولت

در عصر حاضر که تغییر و تحول از ویژگی های بارز آن است؛ دولت ها متحول شده اند و وظایف خطیری را فراتر از اعمال تصدی و حاکمیت یافته اند بعد از جنگ جهانی دوم اکثر کشورهای توسعه یافته به منظور همگامی با تحولات جهانی و حفظ مزیت های رقابتی به تعدیل و اصلاح دیدگاه ها استراتژی ها ساختارها و نگرش های خود به بخش عمومی اقدام نمود. توجه بسیاری از اندیشمندان به اندازه مطلوب دولت و مبانی نظری مربوط و کنترل آن معطوف گردیده. بنابراین منطقی است که اندازه دولت به طور فزاینده سهم عمده ای از تحولات کشورهای مختلف بخصوص کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می دهد. چرا که بزرگ و نامتناسب بودن اندازه دولت و پیچیدگی نظام اداری مشکلات و معضلات بسیاری را در پی دارد برای حل این مشکل تدابیر مختلفی اندیشیده شده است (ودادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در کشور ما نیز یکی از این دست برنامه ها مصوبه هفتگانه تحول نظام اداری که در نود و یکمین جلسه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۵ به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق به تصویب رسید؛ و برنامه منطقی نمودن اندازه دولت این برنامه مشتمل بر سه طرح به شرح ذیل است:

۱. تهیه طرح دولت متناسب (الگوی مناسب اندازه دولت) از طریق تعیین و تفکیک اعمال حاکمیت و تصدی.
۲. شناخت راه های واگذاری و توقف توسعه بخش های اعمال تصدی دولت در حوزه های اجتماعی و اقتصادی (آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، شرکت های دولتی و...) و تعیین راه های مناسب برای توسعه فعالیت بخش غیر دولتی به موازات کاهش تصدی گری دولت.

۳. تعیین اهداف کمی برای واگذاری تصدی‌های دولتی و توسعه فعالیت‌های بخش غیر دولتی (طرح‌ها و سیاست‌های اجرایی برنامه تحول در نظام اداری، مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۵)

#### ۱۰. سیاست‌های اجرای برنامه منطقی نمودن اندازه دولت در ایران

برای انجام موفق برنامه منطقی نمودن اندازه دولت می‌بایست برخی از سیاست‌ها را مدنظر قرار داد که مهمترین آنها شامل موارد زیر است:

۱. دولت باید وظایف حاکمیتی را در سطح کیفی مطلوب به نحو کارآمد و اثربخش انجام دهد.
۲. وظایف مربوط به تصدی‌های اجتماعی دولت به سه طریق زیر انجام شود:
  - الف) توسعه فعالیت‌های بخش غیردولتی با استفاده از حمایت و یارانه‌های دولت.
  - ب) پرداخت هزینه سرانه از بودجه دولت به هیات‌های امنای غیردولتی مورد تایید دستگاه‌های مربوط به منظور انجام وظایف تصدی‌گری تحت نظارت و هدایت دولت نظیر مدارس، مراکز درمانی، مراکز توان بخشی و دانشگاه‌ها.
  - ج) ایجاد و اداره مستقیم واحدهای مربوطه در بخش‌ها و مناطقی که امکان اجرای دو بند فوق الذکر وجود ندارد.
۳. وظایف اعمال تصدی‌های اقتصادی با استفاده از روش‌های خصوصی‌سازی به بخش غیردولتی واگذار گردد و سازوکارهای لازم برای نظارت بر حسن اجرای امور، پس از واگذاری به بخش غیردولتی، پیش‌بینی شود.
۴. برای انجام خدمات زیربنایی و اجرای طرح‌های عمرانی که الزاماً باید توسط دولت انجام شود، نظیر ساخت و احداث راه‌ها، سدها، فرودگاه‌ها و ساختمان‌های اداری، با استفاده از روش قیمت تمام شده و مناقصه گلوبال و از طریق بخش غیردولتی اقدام شود.
۵. نیروی انسانی دستگاه‌های مسئول اعمال حاکمیت و واحدهای ستادی بخش تصدی‌های اجتماعی و اقتصادی (مذکور در ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه) کارمند دولت تلقی می‌گردند و مقررات دولتی بر این گروه از مستخدمان حاکم خواهد بود.
۶. نیروی انسانی بخش تصدی‌های اجتماعی که با پرداخت سرانه یا یارانه از طریق دولت اداره می‌شوند، مشمول قانون کار و نظام تأمین اجتماعی بوده و در جذب و نگهداری و شرایط احراز و نظایر آن، صرفاً از حداقل‌های مورد نظر تبعیت می‌کنند و سایر اختیارات اداری و استخدامی به عهده هیات‌های امنای اداره کننده این بخش‌ها می‌باشد.
۷. امور مردم در شهرها، بخش‌ها و روستاها حتی الامکان، به تشکلهای مردمی و محلی نظیر شهرداری‌ها، دهیاری‌ها، شوراهای شهر و روستا واگذار شود و همواره نظارت‌هایی بر آنها صورت پذیرد؛ و در صورت ضرورت، دولت به اینگونه تشکلهای کمک مالی، فکری و اطلاعاتی نماید (میر سپاسی و بیک زاد، ۱۳۸۹: ۹۰).

#### ۱۱. نتیجه‌گیری

امروزه دستیابی به رشد اقتصادی از طریق افزایش بهره‌وری از مهمترین اهداف اقتصادی کشورها می‌باشد به طوری که وابستگی رفاه اجتماعی به رشد اقتصاد، باعث شده اقتصاددانان در پی شناخت بیشتر منابع رشد اقتصادی باشند. چرا که ارتقای بهره‌وری که با استفاده بهینه از عوامل تولید حاصل گردید در جهت رفاه افراد جامعه است و باعث می‌شود اعضای جامعه نیز با دولت یک صدا شده و در تحقق اهداف دولت را یاری رسانند.

از آنجائیکه اندازه دولت یکی از عوامل ارتقاء بهره‌وری در کشور است و همانطور که در برنامه تحول اداری آمده و نظر به معیارهای مدیریت اقتضائی و اصل بازده نزولی عوامل تولید، اندازه دولت باید منطقی شود. چرا که عدم چابک‌سازی پیکره دولت، و عدم سرمایه‌گذاری‌های دولت در زیرساخت‌های اساسی و عدم تحقق معیارهای خدمات دولتی نوین می‌تواند بهره‌وری را در کشور کاهش دهد. لذا برای منطقی نمودن اندازه دولت پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. ساختاری نمودن شیوه تصمیم‌گیری با استفاده از تحلیل هزینه-فایده.
۲. اصلاح نظام بودجه ریزی با استفاده از مبانی علمی و تأکید بر بودجه عملیاتی و بودجه ریزی بر مبنای عملکرد.

۳. تمرکز بر فعالیت های اقتصادی اساسی و زیر بنایی.
۴. تدوین سیاست اعتبارات هزینه ای دولت با محوریت رفاه گرایی و تسریع خدمت رسانی به شهروندان.
۵. بازبینی و شفاف سازی قوانین و رویه ها به منظور کاهش رانت های سیاسی در بخش دولتی.
۶. استانداردسازی فرایندهای کاری بخش دولتی با استفاده از کارسنجی و زمان سنجی وظایف.
۷. نظارت بیشتر بر روند خصوصی سازی و واگذاری ها از طریق قوانین بازدارنده و واگذاری شرکت های دولتی از طریق راهکارهای بازارهای مالی نظیر بورس.
۸. ارتقای زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره گیری از دولت الکترونیک جهت ارائه خدمات غیرحضوری.
۹. ارتقای شایسته سالاری و حرفه گرایی در سازمان از طریق استقرار نظام استخدام و گزینش مناسب.
۱۰. برنامه ریزی استراتژیک از طریق شناسایی چشم انداز، مأموریت، و اهداف کلان هر سازمان برای تحقق اهداف دولت.

## منابع و مراجع

۱. قلی زاده، حشمت اله؛ مقدسی، رضا؛ نصابیان، شهریار؛ امینی، علیرضا (۱۴۰۰) ارزیابی تغییرات بهره‌وری کل عوامل تولید برنج در ایران، تحلیلی تجربی بر پایه شاخص فارپریمونت؛ فصلنامه راهبرد توسعه، سال ۱۷ (۶۵)؛ صص ۲۲۰-۲۳۶.
۲. مهرگان، نادر؛ تارتار، محسن؛ داوری کیش، راضیه (۱۴۰۰) تقویت بهره‌وری و عوامل مؤثر بر پیچیدگی اقتصادی؛ با تأکید بر کارایی؛ نشریه علمی (فصلنامه) پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال ۲۹ (۹۸) صص ۳۵۵-۳۸۷.
۳. محمدزاده، یوسف؛ حکمتی فرید، صمد؛ کریمی، فاطمه (۱۳۹۵) تاثیر اندازه دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید؛ سومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد با محوریت اقتصاد مقاومتی، مشهد؛ صص ۱۲-۱.
۴. صالحی سربیشن، مرتضی؛ (۱۳۹۳) تجزیه و تحلیل اندازه دولت در سطح ملی و بین المللی؛ دومین کنفرانس ملی پویایی مدیریت، توسعه اقتصادی مدیریت مالی، شیراز، صص ۳۲-۱.
۵. کیمجانی، اکبر؛ حق شناس، هادی (۱۳۸۸) بررسی آثار اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران؛ فصلنامه علوم اقتصادی؛ صص ۱۴-۱.
۶. حیدری، حسن؛ پروین، سهیلا؛ فاضلی، محمد (۱۳۸۹) رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس؛ فصلنامه اقتصاد مقداری؛ دوره ۷ (۳)؛ صص ۶۶-۴۳.
۷. کعبی، نرگس؛ توتونچی، جلیل؛ دهقان تفتی، محمدعلی (۱۳۹۴) تأثیر هزینه های مصرفی و سرمایه گذاری دولت بر شاخص توسعه انسانی با تأکید بر ایران؛ اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی؛ مشهد، صص ۹-۱.
۸. ابراهیمی، سیده نثار (۱۳۹۰) اندازه بهینه دولت و شاخص توسعه انسانی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم اجتماعی واقتصاد دانشگاه الزهراء (س) تهران.
۹. محمدیان، فرشته؛ آماده، حمید؛ شاکری، عباس (۱۳۹۲) ارایه و آزمون الگویی جدید برای تبیین اندازه دولت، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی) سال ۱۳ (۴۹)؛ صص ۱۱۷-۱۵۰.
۱۰. بازمحمدی، حسین؛ چشمی، اکبر (۱۳۸۵) اندازه دولت در اقتصاد ایران؛ مجموعه پژوهشهای اقتصادی، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی، جمهوری اسلامی ایران؛ شماره ۲۹؛ صص ۱-۶۰.
۱۱. فدایی، مهدی؛ مقدم پور، فرید قلی؛ غفاری، سعید (۱۳۹۶) بررسی تأثیر شاخص های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران؛ چشم انداز مدیریت دولتی شماره ۳۲؛ صص ۸۸-۶۵.
۱۲. دادگر، یدالله؛ نظری، روح الله (۱۳۸۷) بررسی تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸، صص ۳۸-۱.
۱۳. جعفری، سیاوش (۱۳۸۵) الزام سیاسی در آمدی بر مبانی اخلاقی روابط متقابل فرد و دولت؛ نشریه پژوهش حقوق عمومی سال ۸ (۲۱)؛ صص ۱۸۳-۲۰۸.

۱۴. کميجانی، اکبر؛ نظری، روح الله (۱۳۸۸) تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران؛ فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال ۹(۳)؛ صص ۲۸-۱.
۱۵. خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۴) مدیریت بودجه ای و ثبات اقتصادی : نگاهی بر مدیریت منابع در بودجه سال ۸۵؛ اقتصاد و جامعه شماره ۶؛ صص ۶۲-۷۸.
۱۶. قلیزاده، علی اکبر (۱۳۸۳) رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت بر مبنای بودجه عمومی دولت؛ مجله برنامه و بودجه؛ شماره ۸۵؛ صص ۵۵-۱۹.
۱۷. پناهی، حسین؛ رفاعی، رامیار (۱۳۹۱) تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران با تاکید بر مدل آرمی؛ فصلنامه مدل سازی اقتصادی سال ۶ (۲)؛ صص ۱۲۳-۱۳۸.
۱۸. منتظری شورکچالی، جلال؛ زاهد غروی، مهدی (۱۴۰۰) اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: رهیافت علیّت گرنجر مارکوف سوئیچینگ؛ فصلنامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۲۱(۱)؛ صص ۹۳-۱۱۶.
۱۹. حاجی، غلامعلی؛ کميجانی، اکبر؛ هژبرکیانی، کامبیز (۱۳۹۴) بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر اندازه دولت در استانهای ایران؛ فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۴ (۱۵)؛ صص ۵۵-۰۸.
۲۰. کیهانی حکمت، رضا؛ حاجی، غلامعلی؛ نجفی زاده، سید عباس؛ مهرگان، نادر (۱۳۹۹) مخارج مصرفی دولت و رشد منطقه ایی در ایران (رهیافت اقتصاد سنجی فضایی)؛ فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۱۰ (۳۳) و ۳۴؛ صص ۶۱-۷۲.
۲۱. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷) نفت، توسعه و جهان سوم؛ زمانه، شماره ۶۹؛ صص ۸۰-۹۵.
۲۲. سخنور، محمد؛ مهرگان، نادر (۱۳۹۲) اندازه بهینه دولت و بهره وری آن در کشورهای صادر کننده نفت، با تأکید بر ایران؛ پژوهش های مالی اسلامی سال ۱ (۱)؛ صص ۵۵-۶۸.
۲۳. بیک زاد، جعفر؛ رحیم زاده، فاطمه (۱۳۹۶) بررسی مسائل مدیریت دولتی ایران؛ انتشارات فروزش تبریز؛ چاپ اول.
۲۴. افتخار، حمید (۱۳۸۳) مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد؛ مرکز پژوهش های مجلس؛ تهران.
۲۵. گزنی، حامد (۱۳۸۵) بررسی اجمالی نقش دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی؛ شورای نگهبان (۱-۶)؛ بازایی شده در ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ از [www.shora-gc.ir/fa/news/47](http://www.shora-gc.ir/fa/news/47).
۲۶. محنت فر، یوسف (۱۳۹۴) بررسی بر خصوصی گذاری سرمایه در ایران؛ فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، سال ۲(۱)؛ صص ۱۴۳-۱۶۲.
۲۷. اسماعیلیان، فرید (۱۳۹۳) مکتب کینزی جدید، پژوهشکده باقرالعلوم (۱-۱۲)؛ بازایی شده در ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ از <https://fa.wikifeqh.ir/#foot-main>.
۲۸. حسینی، سیدشمس الدین؛ شفیعی، افسانه (۱۳۸۶) تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران؛ تأملی در سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره ۴۳ (۱۵)؛ صص ۲۵-۶۰.
۲۹. لشکری، محمد (۱۳۸۹) تأثیر متغیرهای پولی بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد پولگرایان؛ فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۱۱(۱)؛ صص ۷۹-۱۰۵.
۳۰. لشکریلوکی، صابر (۱۳۷۶) بررسی اندازه دولت و حد مطلوب آن در ایران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
۳۱. انصاری سامانی، حبیب؛ خیل کردی، ربابه (۱۳۹۵) تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه؛ فصلنامه مدلسازی اقتصادسنجی- سال ۲ (۱)؛ صص ۱۱۳-۱۳۴.
۳۲. علی پور، بهزاد؛ پدram، مهدی؛ چرغانیان، ایمان (۱۳۹۲) بررسی تأثیر کوتاه مدت و بلند مدت اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران طی ۱۳۵۳-۱۳۹۰ (با آزمون کرانه ها)؛ فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال ۱۸ (۵۴)؛ صص ۲۷-۵۳.
۳۳. شاه آبادی، ابوالفضل؛ مرادی، علی؛ بیده، فاطمه (۱۴۰۰) تأثیر چرخه های انتخاباتی بر اندازه دولت در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه سیاسی؛ مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره ۴ (۱)؛ صص ۳۴۷-۳۷۳.

۳۴. قلی پور، آرین؛ پیران نژاد، علی (۱۳۸۷) ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی: تبیین نقش دولت الکترونیک؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ دوره ۱۲ (۱)؛ صص ۲۱۹-۲۵۶.
۳۵. مردانی، علویه (۱۳۹۴) ظرفیت سازی برای کوچک سازی؛ دانشگاه علوم پزشکی همدان با همکاری معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی.
۳۶. مؤذن جمشیدی، سیده هما؛ مقیمی، مریم؛ اکبری، نعمت اله (۱۳۹۰) تحلیل تاثیر اندازه دولت بر توسعه انسانی در کشورهای (OIC) رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR)؛ مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال ۲ (۸)؛ صص ۹۵-۱۱۶.
۳۷. حیدری، حسن؛ علینژاد، رقیه؛ محسنی زنوزی، سید جمال الدین؛ جهانگیرزاده، جواد (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین فساد اداری و رشد اقتصادی: مشاهداتی از کشورهای گروه دی هشت؛ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی سال ۱۴ (۵۵)؛ صص ۱۵۷-۱۸۳.
۳۸. حیدری، حسن؛ جهانگیرزاده، جواد؛ سعیدپور، لسیان (۱۳۹۴) تأثیر اندازه دولت و دموکراسی بر فساد در کشورهای عضو اوپک؛ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۲ (۸۱)؛ صص ۱۸۷-۲۱۱.
۳۹. تقوی، مهدی؛ محمدی، حسین (۱۳۸۵) تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران؛ پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۲ (۶)، صص ۱۵-۴۳.
۴۰. فتح، سروالدین؛ نونژا، مسعود؛ زارع، هاشم؛ حقیقت، علی (۱۴۰۰) تاثیر باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی؛ فصلنامه راهبرد توسعه؛ سال ۱۷ (۶۵)؛ صص ۱۵۸-۱۹۳.
۴۱. پیغامی، عادل (۱۳۹۹) اقتصاد؛ شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران؛ تهران.
۴۲. قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵) بررسی درآمدهای نفتی و وضعیت معیشت و رفاه مردم در رژیم پهلوی؛ پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱-۱۰) بازیابی شده در ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ از [www.irdc.ir/fa/news/335](http://www.irdc.ir/fa/news/335).
۴۴. میرسپاسی، ناصر؛ بیک زاد، جعفر (۱۳۸۹) بررسی امکان پذیری برنامه منطقی نمودن اندازه دولت؛ فراسوی مدیریت، سال ۴ (۱۳)؛ صص ۸۵-۱۱۹.
۴۴. ودادی، احمد؛ بیک زاد، جعفر؛ دشتی رحمت آبادی، اعظم (۱۳۸۸) بررسی موانع منطقی سازی اندازه دولت ها؛ مجله مدیریت کسب و کار، سال ۱۱ (۱)؛ صص ۱۰۳-۱۲۴.
۴۵. Ewing, B. T., Payne, J. E., Thompson, M. A. and O. M. Al-Zoubi (۲۰۰۶). "Government Expenditures and Revenues: Evidence from Asymmetric Modeling", Southern Economic Journal, Vol. 73 (1). PP. 190-200.
۴۶. Saunoris, J. W. and Payne, J. E (۲۰۱۰). "Tax More or Spend Less? Asymmetries in the UK Revenue-expenditure Nexus", Journal of Policy Modeling, Vol. 32.
47. Sy, Wilson (2020) Capitalism and Size of Government, Social Science Research Network (SSRN), Vol. 85(1), pp. 207-225.
۴۸. Khan Mohsin S. & M. S. Kumar (۱۹۹۷). "Public and private investment and the growth process in developing countries". Oxford Bulletin of Economics and Statistics.
۴۹. Rutherford, Donald (۲۰۰۷). "USA & Canada Economics", Routledge First published.
۵۰. Eduarda Rodrigues Paiva, Maria. Lopes Ribeiro, Lilian. Welington Felix Gomes, Jose (۲۰۲۱) "does the size of the government increase corruption? An analysis for Brazilian municipalities." Revista de Administracao Publica 55(2):291-272.
۵۱. Dramane, Abdoulaye (۲۰۲۱). "Effect of the size of government spending on corruption in sub-Saharan African countries", Economics Bulletin, Vol. 41. pp. ۱- ۱۶۷.
۵۲. Elliott, K.A. (۱۹۹۷). "Corruption as an International Policy Problem: Overview and Recommendations", Corruption and the Global Economy, ed. by K.A. Elliott, Washington D.C.: Institute for International Economics.